

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبه‌هنگ راد

۱۶ می ۲۰۱۶

هزینه جنگ‌های امپریالیستی را چه کسانی می پردازند؟

هزینه جنگ‌های کنونی جهان را نمی توان و نمی شود به طور دقیق بر شمرد. میزان کُشت و کُشتار، و خانه خرابی بیغوله‌های میلیون‌ها انسان ندار، اصلاً و ابداً قابل شمارش نیست، جنگ افروزان، میزان تخریب و آوارگی جامعه و محرومان را به بالاترین حد و رقم خود رسانده اند و در این میان، کودکان، با چشمان و چهره‌ای گریان و غم زده، ناظر آینده نامعلوم خویش اند. در یک کلام توان جنگ‌های امپریالیستی بر گرده پائینی هاست و بانیان آن، از زمره بهره برداران آن به حساب می آیند؛ چرا که سران دو سو و یا چند سوی جنگ، مشخص اند و مردم، نه آغازگر آنند و نه کمترین نفع و سودی از تداوم آنها خواهند بُرد.

دایره، سمت و سو، و مختصات جنگ‌های امپریالیستی بسیار گویا و آشکارست. سیاست‌ها به منظور انجام مقاصد پلید از جانب سودجویان، یکی پس از دیگری چیده شده است و بازیگران انتخابی و دست چین شده هم، آماده تحقق سیاست‌های امپریالیستی اند. به عبارتی دقیق تر، عاقبت و ثمره این دست جنگ‌ها، برای توده‌های ستم دیده معین است و در حقیقت سرمایه داران بین المللی، میداندار ناامنی اقتصادی - زیستی محرومان جهان اند. فروش میلیاردها دالر سلاح‌های متفاوت و گشوده، و به دنباله آن، تولید و باز تولید دسته‌های مرتجع و مسلح، نماد غیر ذینفعی مردم، از اوضاع و تنش‌های دنیای کنونی ست؛ نماد تسلیح بیشتر حکومت‌های هار و خشن به منظور کنترل بهتر جنبش‌های اعتراضی احتمالی، و همچنین نماد رونق بخشیدن به اقتصاد فرتوت سرمایه در این برهه از زمان است. از سر "خیر" چنین سیاستی ست که، صاحبان تولیدی سلاح، به تخریب زیر ساخت‌های جوامع متفاوت و همچنین خانه و کاشانه توده‌های ستم دیده می پردازند.

به طور مثال ۴۴ ایالت از ۵۰ ایالت امریکا، مشغول تولید سلاح‌های مرگبار است و در این گیر و دار و در فضای رقابت‌ها و مسابقه تسلیحاتی، - در خاورمیانه - عربستان در صف مقدم خریدار سلاح قرار گرفته است و دولت امارات، عمان، سوریه، مصر، یمن، عراق و ... به دنبال آنند. روز به روز بر خرید و فروش سلاح افزوده می گردد و اخیراً «مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم» اعلام نموده است که "میزان هزینه جهانی برای سلاح در سال ۲۰۱۵ میلادی ۱ درصد افزایش یافته و به ۱۶۷۶ میلیارد دالر رسیده است و همچنین هزینه تسلیحاتی عراق به میزان ۲۵ درصد در سال ۲۰۱۵ نسبت به سال ۲۰۱۴ میلادی هم افزایش یافته است".

متعاقباً فروش ۳۰۰۰ راکت هلفایر، ۲۵۰ راکت میان برد هوا به هوا، ۴۱۰۰ بمب هدایت شونده لیزری، ۵۰ بمب سنگر شکن از نوع بی ال یو به رژیم اسرائیل و در ادامه معامله ۶ میلیارد پوندی تسلیحاتی دولت کامرون طی ۶ ساله زمامداری اش به دولت عربستان، بیانگر این حقیقت است که جهان سرمایه داری، در دوران بحران، نیازمند تولید و فروش جنگ افزارهای بیش از این، به جوامع سرشار از منابع طبیعی ست. فروش جنگ افزارهایی که، یک سوم آن به دولت امریکا تعلق دارد و روسیه، با سود ۷ میلیاردی در جنگ سوریه و همچنین با فروش میلیاردی سلاح به چین، هند و غیره، در رتبه بعدی تجارت اسلحه جهانی قرار گرفته است. ناگفته نماند که آمار و ارقام فوق، گوشه هایی هر چند کوچک، از سودها و سلاح های رد و بدل شده ای ست که به جیب سرمایه داران بین المللی رفته و به صاحب منصبان کشورهای منطقه خاورمیانه داده شده است و طبعاً، با زیر و رو نمودن اخبار، می توان و می شود تا حدودی به حجم بیش از این سودآوری و به دنباله، به میزان صادرات سلاح به دولت هایی همچون عراق، لیبیا، افغانستان و غیره پی بُرد و نشان داد، که اداره جهان کنونی، جز روغن کاری کارخانجات اسلحه سازی به منظور سود بیشتر و تولید فزون تر نیست. واقعیت این است که سلاح در جهان سرمایه داری، به عنوان یگانه ابزار بر دوام طبقات حاکمه به حساب می آید؛ جهانی که ۹۶ کشور آن، با سلاح های امریکائی انباشته شده است و در این میان، کشورهای همچون عربستان، در صدر خریداران بزرگ آن قرار گرفته اند و روزانه، با انعقاد قراردادهای تازه تر نظامی، منطقه را به انباری پُر از باروت مبدل می سازند.

خلاصه بهانه ها، مبارزه با "تروریست" هاست؛ هدف های ادعائی، تضمین دموکراسی و اعطای حقوق انسانی و کوتاه نمودن دست های "دیکتاتور" هاست؛ می خواهند با گسیل سلاح های مرگبار و با تخریب خانه و کاشانه مردم، جامعه را "امن" تر نمایند و ریشه "دشمنان" محرومان را بسوزانند؛ می خواهند با تخریب زیر ساخت ها، جامعه را "آباد" کنند و بر میزان، زندگی "بهتر" درمندان بیفزایند؛ سیاست جنگی که نتایج و ماحصل آن، جز راندن توده ها از جامعه خودی و پناه آوردن آنان به دریای ناامن نیست. متأسفانه تلف و بی خانمان شدن بی گناهان چه در کشور و منطقه خودی و چه در دیگر مناطق جهان، هر روزه و دقیقه ئی ست، نمایش زندگی وخیم و آوارگی توده های ستم دیده، به سر تیتیر بلندگوهای تبلیغاتی سرمایه تبدیل گشته است، این روزها جانیان بشریت میلیون ها زن و مرد، جوان و کودک را در تله های متفاوت انداخته اند تا اهداف شوم شان را، پی گیرند. از یک سو بمب بر سرشان می ریزند و از سوی دیگر راه های خروج آنان از میادین جنگی را می بندند.

به دروغ مبارزه با داعش و دیگر دستجات مسلح وابسته به خود را در سر لوحه کار خود قرار داده اند، جنگ را فراموش کرده اند، تا دم و دستگاه های سود ده طبقه سرمایه داری، از روند طبیعی خود باز نماند. دست درازی و شرکت مستقیم و غیر مستقیم دولت ها به اموال عمومی، به قاعده جهان سرمایه داری تبدیل گشته است و همه دولت های جهانی، درگیر خرید و فروش سلاح های مدرن و گشوده اند؛ همه در پی تاراج و به یغما بُردن اموال عمومی جامعه اند. مردم در فقر کامل به سر می برند و توان تهیه پائین ترین نیازهای زندگی شان را از دست داده اند و در عوض، دولت مردان، در فکر خرید و فروش تازه ترین راکت ها و بمب افکن ها می باشند؛ راکت ها و بمب افکن هایی که بدون کمترین تردیدی، در خدمت به منفعت سرمایه داران بین المللی و در جهت تخریب هر چه بیشتر خانه ها و گُشتار محرومان است.

این سیما و صحنه سیاسی جهانی ست که سرمایه داران بین المللی، برای میلیاردها انسان دردمند ساخته اند و مضافاً دهه هاست که دولت های بزرگ امپریالیستی، بخش اعظمی از صادرات کشورشان را به فروش سلاح اختصاص داده اند، و بنابه اخبار منتشره، فروش سلاح به کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۵، به ۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار

رسیده است که در مقایسه با سال ۲۰۱۴ دو برابر شده است. رقابت‌ها افسار گسیخته و تلاش‌ها در پیشی گرفتن دولت‌های منطقه خاورمیانه، پیرامون تسلیح بیش از این و خرید تازه تر سلاح از قدرت‌مداران بین‌المللی ست. ناامنی با توزیع سلاح رقم خورده است و در پرتو چنین بلبشو بازار تسلیحاتی ست، که هند هم این روزها، به یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان جنگ افزارهای نظامی تبدیل گشته و به دنبال چین، با پشت سر گذاشتن فرانسه و آلمان، در رده سومین صادرکننده بزرگ تسلیحاتی جهان قرار گرفته است. در حقیقت جنگ را فرا منطقه ئی - کشوری نموده اند، روشن است که تمامی هزینه های آن، بر دوش میلیون ها انسان دردمند است و روز و به روز هم بر بار آن افزوده می گردد. این آن اوضاعی ست که سرمایه داران بین المللی به میلیاردها انسان محروم و به ویژه به کارگران و زحمت کشان منطقه خاورمیانه تحمیل نموده اند و مجال زندگی فارغ از دربدری و خون و خونریزی را از آنان سلب کرده اند. به طور قطع و به جرأت می توان گفت که چنین داد و ستدها و همچنین رویش و علم نمودن جانین رنگارنگ بشریت و آنها تحت عنوان دفاع از منافع "مردمی"، چیزی جز، گستردگی ناامنی - جانی محرومان، و دست درازی بیش از این به منابع طبیعی جوامع زیردست نیست. به طور نمونه در لیبیا بیش از ۷۰۰ دسته و نیروی مرتجع و مسلح به جان هم افتاده اند و کشوری همچون عراق، روزانه شاهد انفجار بمب های کشنده و تلف شدن زنان، مردان و کودکان می باشد؛ افغانستان که قرار بود، از شر نظام های پیشین غیر مردمی، خلاصی یابد و نظامی مقبول تر و مطلوب تر جایگزین آن گردد، به افغانستان نامن و به میدان سودجویان و غارتگران بین المللی تبدیل گردیده است، شکی در آن نیست، که دلیل این دست رخدادها و فجایع بسیار ناگوار، به زیاده خواهی های راه اندازان جنگ های خانمانسوز و امپریالیستی بر می گردد؛ چرا که هدف دولت مردان بزرگ جهانی، پاسخگویی به بحران دائم التزایدشان می باشد؛ هدف و انگیزه شان، غارت بیش از این دسترنج محرومان است؛ مقصود یکایک شان کنار زدن جناح های رقیب از اموال عمومی و منابع طبیعی جامعه است و بالاخره، هدف شان، انتقال تضادهای درونی، به جوامعی همچون عراق، افغانستان، لیبیا، سوریه و غیره می باشد، طبعاً خلاصی از وضعیت کنونی، در گرو، عکس العمل سازمان های مدافع مردمی ست.

به دیگر سخن، در دنیای پُر از سلاح و در دنیای پُر از نیروی مرتجع و مسلح، نمی توان دنیای آرام و همچنین دنیای باب میل کارگران و زحمت کشان را فراهم نمود. همچنین نمی توان در دنیای هزینه پرداز با سیاست تدافعی و یا با اتخاذ روش های حمایتی از اعتراضات مردمی، جامعه سرشار از صلح و محترم شمردن به حقوق انسانی را برقرار نمود. بدین سان نیاز است تا سمت و سوی هزینه ها را، با تغییر و با انتخاب میدان اصلی طبقاتی و آنها با توسل جستن به عالیترین شکل از مبارزه، بر گرداند و زندگی و جامعه مدافعین ریز و درشت جهان سرمایه داری را ناامن نمود. کار و وظیفه ای که بر گرده مدافعان سیاسی جنبش های اعتراضی - مردمی ست؛ کار و وظیفه ای که نیازمند بُرش مبارزاتی و آنها در تقابل با انتظار، سکون و رکود جنبش کمونیستی خاورمیانه و به ویژه با دخالت گری های عملی "سازمان"ها و "احزاب" مدافع کارگران و زحمت کشان ایرانی گره خورده است. بنابراین تکرار سیاست ایستا و رمنده، و یا کرنش در برابر وضع موجود از جانب مخالفان مناسبات سرمایه داری، چیزی جز افزودن بیش از این، هزینه ها نیست.

۱۵ می ۲۰۱۶

۲۶ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۵